

نمره سیزدهم
بررسی بر مضمون جل بنین (تالیف)

(مدیرکل بزرگترین کاشانی)

عمل در کتب فقهی با غایت کلیت
یکم و هشتم و یازدهم و دهم و پنجم و ششم و هفتم

هشتم و نهم و دهم و یازدهم و بیستم
میت و هشتم و یازدهم و بیستم

مفاتیح لفظی

(سنه ۱۲۹۹ تصدیف و نوبت)

اداره خیریه کرم چشمه قبول بخاکبرد

(شرح بدل بوند مع جرت)

ستاره و برنج فارس ده پویه

ممالک صومعه ایران قفقاز ۵ هزار

چین و ژاپون و اروپا ۲۵ هزار

ممالک عثمانی از غرض مغیر ۵ مجیدی

این روز مایه کلیت است نظیر بقا و بسیاری باری برات از سنه ۱۲۹۹ تصدیف و نوبت

(فلسفه طبیعی)

(۳۴) حالات تعادل عقلا - باز سون ظاهر مین
 که در قوه که بذریعۀ عقده حاصل شود اثرش را بزیاده
 کردن طول ساعد عقده مینماید و مثلاً اگر طول
 ساعد عقده دو باشد یا چهار چندان طول ساعش باشد
 اثرش نیز دو چندان یا چهار چندان بیشتر خواهد بود
 و همین امر بود که ارشمیدس حکم را بختن این مقوله داد
 که گفت اگر مرکزی بیایم که در ارض را از جایش بلند خواهیم
 از آنجا نیکو است بر طر ساعد عقده بیشتر باشد از قوه
 بیشتر خواهد بود پس بجهت تعادل بین قوه و عایق
 که در آن وجه بر عقده یا رافعۀ عقده میکنند در صورتیکه ساعد
 عقده ساری باشد لازم می آید که قوای مذکورۀ عقده
 سادی باشد و اگر ساعدین رافعۀ غیر مساوی باشد لازم
 می آید که قوای مذکورۀ عقده غیر مساوی باشد و این

نسبت سنی اگر قوه محرکه ثلث عایق باشد پس ساعد قوه باید
 سه چندان ساعد عایق طویل باشد
 در رافعۀ قوه سوم قوه باید همیشه از عایق باشد زیرا که فاصله
 عایق و تارکرم همیشه از فاصلۀ قوه تارکرم
 است سنی ساعد آم از ساعد قوه بیشتر است
 چنانچه از شکل (۱) ظاهر است ولی در عقده قسم ثانی
 قوه همیشه کمتر از عایق است زیرا که



ساعد قوه از ساعد قوه درازتر است چنانکه در شکل (۲)
 نموده ایم - این خاص را باین عنوان ظاهر میسازیم
 که در عقلا در افتات قوه سوم قوه همیشه نقصان می پذیرد
 و در افتات قوه دوم همیشه قوه بیشتر میشود - اما در افتات
 قوه اول ممکن است که قوه کمتر شود و بیشتر یا تعادل زیرا که

ساده قوه قیسی قوه ممکن است که درازتر از ساعد
 یعنی قوه باشد یا اندازه تریا سادی - (ملاحظه نمودن شکل ۱۹)
 (۳۵) استقامت مختلفه رافعات - در صورت
 اعتبار دین روز سه استقامت متعدده قهاسم رافعات بنظر
 می آید مثلاً میزان رسمی رافعه قسم اول است همچنین
 دسته پسته تولامینه بگوشی

مقراض نین شال دیگر نیز رافعه است که پرز در غشای
 خود رافعه است و مرکزش سمارتس است که در وسط
 هر دو ذراع نصب است و قوه صایع است که بکار

شکل (۲۲)



و مقاوره
 یعنی عانت
 شایسته
 شایسته

شکل (۲۳)

چنانچه در شکل (۲۲) نوده ایم -

رافعات قسم دوم مجدات یعنی پاروی کشی است و نسبت
 آب تقابل حرکت مجدات بمنزله مرکز است و دست
 پاروشس قوه است و خود کشی یا بیکه کشی جایش را گرفته
 است عانت یعنی مقاوره است - ایوه فشار یا بادام
 مثال دیگر این قسم رافعه است (شکل ۲۳) همچنین عانت
 دستی یک چرخ می -

هر گاه دو حال قدرنی یا بار بزرگ بچرخ روی بر دارند آنها را
 با هم وزن آن بار را قسمت خواهند کرد که با نصفی بجهت
 یک حال می آید و نصف دوم قسمت حال دوم
 زیرا که آن چوب دراز بمنزله رافعه میشود و بر حالی مرکز

پانزده بجهت حال دیگر سیکر دو و این تقصیف وزن بار در
 صورتیست که بار مذکور در وسط چوب باشد - اما اگر این بار
 بیکطرف افتد یعنی یکی نزدیکتر باشد و از حال دیگر
 پس آنکه نزدیکتر به بار باشد سنگینی آن بر او بیشتر خواهد بود
 تا بر آنکه از بار دورتر است و همین سبب است که اگر
 همان لای در بیاید چنانکه نزدیک به لولای دست خود
 خواهد شد -

رافعات عتبات قسم سوم در منافع اعتبار دین کمتر از
 مذکوره بالا دیده میشوند - چنانچه یعنی مقدم بیا نو که نوعی از
 ساز است یا چرخ شمشیر که آن مثالهای این قسم رافعه
 و چرخ شمشیر که آن که شمشیر و کار در بدن سازند چنانچه
 تخمه است از چوب آس (شکل ۲۳) که خودش رافعه
 است که بر سطح میلی بچار چوب چرخ محکم کرده اند و قوه
 پای شخص است که بدن چرخ را کشیده و در آن حرکت
 که از نقطه آبی چرخ رسانیده میشود این بواسطه میلی است
 که با محور چرخ مربوط است

در این ستار فی پرز در عتبات رافعه قسم سوم است
 در باز کردن در اگر شخصی نزدیک ببلوراز
 بیاید و دستش کمتر مسافت را طی خواهد کرد تا نزدیک
 سنتهای متعاب در و ازین دو بیشتر قوه بکار
 باید برود - هر چه دست از لولای دورتر
 باشد روزگمشه خواهد بود -

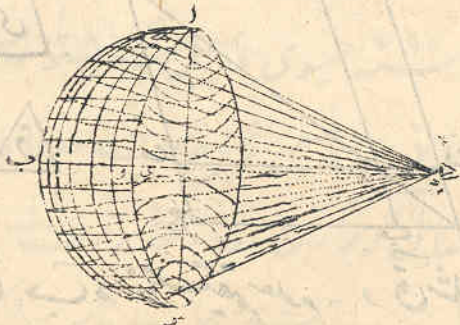
(باقی دارد)

(اصول نقشه کشی)

باین اصول نصف نقشه نگاره را با هم سازان ثقت
 سطح در رسم مینمایم معذالک بعضی ممالک از بخت
 حقیقی خود زیاده رسم و بعضی از بهیئت اصلی خویش
 کوچکتر واقع خواهد شد ولی این فرق نسبت تنگی
 و تراخی حقیقی چندان صورت خلل و بیاب غلط واقع نمیشود
 و روی هم رفته مطلب تقاد میگردد چه غلطی هم ظاهر شود ولی
 در جاییکه شرف و غلطی ظاهر باشد چندان صورت
 نقص نتواند شد چه از روی آن غلطی را در هیچ تنبیط
 می شود -

(منبای لایه) عنوان مذکوره بطرز دیگری هم بیان
 کرده است با بطریق مختصرا ذکر مینمایم و قوی میباشیم
 نصف کره را بنقشه سطح آریم دور از کره بفاصله زیاد
 می ایستیم از روی انداز چشم که با (د ع) نصف قطره از
 دایره عظیمه موافق باشد کاغذ بر آن نصف قطر چنان
 میزنیم شدرا نیکه پوست بر روی طبل می چسبانیم و در بعد
 مخصوص ستاده ملاحظه سایه بعکس نقوش کره را بر آن کاغذ نموده
 و از روی آن سایه نقوش که در سطح مینمایم -

بجهت توضیح عنوان فوق نقشه ذیل ملاحظه بایر کرد



شکلا (ب اس) شیشه سیاه اندازه نصف کره
 و در آن نصف النهار و خطوط استواری العرض رسوم است
 و مقام زج محل نظر است و نصف کره کشاده
 (ای سی) میباش که بر آن کاغذ چسبانده شده و شبیه
 که خطوط استواریه العرض در آن سطح کاغذ عکس می اندازد
 و رسم میشود در نظر ماسبلوه خواهد نمود که از مقام
 (ج) بطرف اندرون کره ملاحظه میکنیم و نقشه
 فوق خطوط نصف النهار را با نوبه کشیده ایم که حجم
 خطوط صفائی نقشه را از لطافت خواهد داشت و کمالا
 مطلب دستیاب خواهد شد طرق دیگر نیز بهر طریق
 که اختراع شده که بواسطه زیادتی ناقص آن متروک
 گردیده است چون عنوانات این رساله بجهت مبتدیان
 است زیاده تشریح نمودن و ببط کلام دادن صورت
 تثبت حاصل میگردد و همین تا یقین این فن شروع
 درین تجربه تعلیم نموده و بعضی تجربات حاصل گردید
 از نکات دقیقه این فن که بکارش بیرون نمی آید تنبیط
 خواهند نمود این اصولی را که مایه کاریم قواعد کلیه مجربیه در
 مدارس است که تعلیم باطفال داده میشود (بایدرد)
 یکی از حکما میگوید در ظرف طلا و نقره طعام نختن تقوی قوی است و در وقت
 و ضعف است در ظرف آهن طعام نختن تقوی شایسته و غیره است در ظرف مس اگر چه
 سفید هم با نقره میانه اگر سفید باشد لذت خدام در ظرف برخی هم همین
 است در ظرف کلی یک مرتبه - در ظرف سنگی تا پنجره
 طعام نختن عیب ندارد

جمع زلزله‌ها در این سال چهار صد و اند سال
واقع شده اند بهین صحت با میر سید که درین نگاه
در یافت شده است غلبت است که تعدادشان بر
هزار میر سید

درین نگاه سال بسیار زلزله‌ها در زیر دریا و در تقاطع
غیر آباد واقع شده اند که انسان بتدین بر آن وقت
معم نیافته است و ازین رو و قوش نیز نامعلوم شده است
اکبر الیال خود را متوجه زلزله‌های بزرگ نماید باز نتایج همان
خواهد بود است مالت تعریف زلزله بزرگ بدین معنی است
میکنند که اثرش از مرکز اضطراب به طرفت تا پانصد
یشت صد میسر محوس شود و اگر قطره و صحت اضطراب
و تر زلزله چهار صد میل باشد آنرا در درجه دوم میگویند
یعنی از هر طرفت تا دویست میل اثرش محوس شود
ولی اگر اثر زلزله به طرفت بین نگاه و پنجاه و پنج میل باشد
آنرا در درجه سوم شمار میکنند - در فهرست مذکور تعداد
زلزله‌های بزرگ و دویست و شانزده است ولی
مبغله اینها صرف نگاه و سه زلزله عظیم درین نگاه
سال مذکور واقع شده اند یعنی بین سال ۱۸۵۶
بهین حساب معلوم میشود که کو یا تقریباً سالی یک زلزله
عظیم در یک جای زمین بطور وسط واقع شده است -
و اگر جمیع زلزله‌های قابل عننا را شریک نمایم بقا
در نفعه و زلزله واقع خواهد شد - در چهار سال
آخر فهرست خود بین سال ۱۸۵۳ تا ۱۸۵۶ متر است

چهار صد شش زلزله درج کرده است - سبب این
کثیر درین مدت قلیل نه این است که فی الواقع درین زمان
زلزله بیشتر واقع شده بلکه وقوع هر زلزله را درج کرده
اند و نهایت احتیاط حالت وضع وقوع آنها را نگاشته
اند - با وجود اینهم ممکن است که در بعضی نقاط و لایات
زلزله‌های دیگر هم واقع شده باشند ولی سبب نبودن
مردم در آنجا یا بودن مردمان وحشی کسی حالت وقوع آنها
نگاشته است - غلط خواهد بود اگر ما بطور یقین قبول نمایم
که استلایک تمامی از صفحه ارض همواره این حرکات
و ارتعاش را محسوس میکند که نتیجه قوه اندرونی است
بیشتر این قوه قدرت شدید اندرون ارض است
که بر تشه بار و خارجی آن نوعی خاص عمل میکند -

یقیناً زمین زلزله‌ها - در بحث فهرست خود نویسد
کتاب خود موسوم با اصول علم زلزله که بر سرستی و ابل سوس
(مجلس شاهی) طبع و نشر شده است متر مالت تعریف
زلزله را چنین مینویسد که دو زلزله موجی است با سلسله
است که در قشر ارض بسرعت تمام میگذرد -
سرعت حرکت خود صد یا حرکتی که بر یک نقطه زمین
واقع میشود به نسبت سیر خود موج زلزله بسیار خفیف است
و این سرعت سیر موج نصف سرعت سیر کوله توپ
دارد و حال آنکه حرکت زمین بجای او پائین که در یک
مقام چنین زلزله محسوس شود بقدر حرکت جهت و جزوم
است - و این موج از موقعی تحت صفحه ارض با طرفت

سرایت میکند که از اجوف مرکزی خواهیم گفت
 و این موج از آن مرکز به طرف بهمان سرعت حرکت
 میکند. موجیکه راست و در حالت عمودی بالا میرد
 یعنی عمودا بالای جوت مرکزی واقع میشود آنستکه عمودا
 عمود تزلزل خواهیم گفت. و هر قدر که ازین خط
 عمودی دور تر شویم موج جابجایی کجی متزیب سطح زمین
 بیشتر خواهد شد و شدت تزلزل نیز بهمان نسبت
 کمتر خواهد گشت تا زمانیکه نفوذ نشود. (بمیدار)

(وحدت جنسیت)

چو عارفان مزایای وحدت کلمه و دانایان مفاد اتحاد با
 بدین دستور روند بالفطرة و بصیغه پایه و مایه صناعت
 و مخطط و علم و تجارت در هر صنفی از صنایع آن است
 و هر طبقه از طبقات آن ملت محکم استوار و پابدار گردد
 چون شالوده نهاد را چنین نهند هر یک از آن اتحاد و
 باطنی در وجه کمال و مزایای عالم جهانی فائز و نهی نیکو تحصیل
 سعادت تا و لوازم حیات خویش را خواهند نمود

انچه ذکر کردیم کجی تبحر و دقائق وحدت کلمه و غریبان
 مزایای مفاد اتحاد زبان را ظاهر و آشکار گردید که تعلیم و
 علوم و معارف و فایده و استفاده فنون و صنایع بدیع
 فائده عام نبخشند تا وقتیکه آن علم و فن زبان باری
 آن ملت نباشد و چون علوم و فنون نگردد طبقات آن
 را فوائد عمومی حاصل نیاید آن وحدت توأم و پابدار و
 استوار نخواهد گردید و سعادت و نیکبختی و رفاهیت عامه که

نتیجه این اتحاد است اتحاد است و اتحاد همیشه خواص
 است خویش نسبت بملت خود در علوم و فنون زبان
 ممتاز بود و ترقی ملت را کماهی توایم گفت که عموم است
 آن ملت را از دانش بهره باشد و بدون اینکه علوم و
 معارف را لبان قومی در مدارس عمومی خواهد بود تا
 درس ندهند ممکن نیست اگر چه نکات اینکلام قوی و قویه را
 نیز درس پوشیده نیست تا هم قیاسش زیاده باعث
 تشویق عام است.

بلاشبه وحدت کلام در امور دنیوی بالاتر است
 از وحدت دین چنانکه در هر مملکتی هزار مابعد
 تبدل اختلاف در ادیان ظاهر بلکه در تفرقه و تفرقه
 محدود و همیش از آن ملت برداشته اثرش باقی نماند تا
 وحدت کلان باقیست. این است که با وجود
 اتحاد دین هنوز ایرانی ایرانی رومی رومی هندی
 هندی عرب ترکی ترکی شناخته میشوند
 و آن اتحاد و یکا که تنفیذ کلمه در صدر صلاح نوع باشند
 در میان بلکه رویت و اختلاف ایشان زیاده ظاهر
 علاوه چون علوم و فنون زبان ملکی نباشد باندک
 گردش زمان تر فرغ از آن ملت نیست و نابود گردد و باز
 قوم بجمالت بهالت اولی باز گشت خواهند کرد
 بخلاف اینکه اگر زبان درسی و قومی باشد به هم
 فلک و از کون بقاری ایام اگر آن قوم را فرصت
 و مهلت تعلیم و تعلم و فایده و استفاده دست ندهند

(زراعت چایی)

چون امروزه توجه شخص اعلیحضرت شاهنشاهی و دست
عظم ایران دره ساری روحانی این ملت نجیب رفیع
نوازش ملکیت و ولایت میباشد هر یک از افراد دولت
لازمست که در اقتدای این خیال مقدس حتی الاکان قدم
خود دولت خویش از رفح احتیاجات بخارج
برهاند -

سلباً احتیاج بزرگ ایران قند و چای
از توجه حضرت صدارت یک احتیاج است که قند باشد
بیکدره رفح شده و امید داریم عمارت یک کاغذ
قند ساری ترقی نموده و کالای رفح این احتیاج بزرگ
مانند چون شایوده او که آمده شده ترقی و انگاش
آن است -

احتیاج ثانوی ما که چایی باشد در آرزوست و
اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خداوند ملکه مدیر محترم جلالتین
در صدور طبع کتاب در و اوج این زراعت در ایران
برآمده در خصوص عریضه در بار ولایت عهدش کرده
کمال توجه را مبذول فرموده بآنچه چنانچه ارشاد و تأمید
شهریاری در خصوص توجه مخصوصه شان در و اوج
این زراعت در انبار ناصر علی اعلان شد چون
از زمانه قبیل اعلیحضرت مهابونی از تبریز رونق
ظهران شدند و اول سلطنت بود همیشه قدر سوق ماند
چون مجدداً توجه اعلیحضرت شاهنشاهی در و اوج این

زراعت مبذول شده با اشاره مدیر محترم جلالتین چای
معارف دستگاه آقا محمد کاظم شیرازی در بیست و ثانی اداره
موصوفه کتابیکه جامع بر تمام کتب انگلیسی که تاکنون
درین فن بطبع رسیده مرتب کرده از نمره آتیه
نشر خواهد بطریق تسلسل مفعله وار در مفتاح نظر طبع و نشر
خواهد شد اینر ساله دارای تمام نکات زراعت چایی
و جامع تمام شریکات علمی و عملیه این فن است
در سلامت عبادت و عام فهم آن نیز کامر وقت شده
تمام نکته جات ضروریه را نیز دار است -

سلباً اگر این کتاب را اداره سبار که محل المین بدار
جهان مدار اعلیحضرت اقدس شاهنشاه قدردان معارف
فرستاده بود آنچه فائده شخصی بود حاصل مینمود ولی چون
مقصود فائده عام و توجه عموم ملت درین زراعت است
امر بطبع درج بیده که اقدس شاهنشاه قدر شناس خوا کرد
لمبتتین امر لازم به بیان نیست که علم و دگر و علم و دگر
اگر رجال دولت عملیه یک نفر از ما هرین این فن را که در
زراعت چایی تجویز کامل داشته باشد بجهت کمال لازم
و با تخم چایی در موسم مخصوص طلب فرمانیه مملکت
ازین احتیاج بزرگ خواهد رست و سالی میلیونها
طلا و نقره ایشان در ازای این برکیا بخارج خواهد رفت
ملکه بزرگ ترین استعد تجارتی ایران خواهد شد و سالی
صد میلیون بک ملت و دولت ازین مضر نفع خواهد
بیت سال قبیل نامی ازین زراعت درهند بود و سالی

مفتاح
مدیر
نظر
سالی

یک خزینه نهند در طلب آن چنین هفت و امر وزیران
مال التجاره نهند است علاوه برین که سالی لک لکها نفوس
ازین راه نان میخورند
در رخ یک محتاج بزرگ ضروری خود را از خارج
موده اند من آن خارج را در عوض این بزرگ سبز
جذب و جلب نمودند نمایند تبار الله ما پورت
زراعت چائی که چه قدر نفوس ازین ممر نان میخورند
و چه قدر چائی بهی می آید و چه در نهند صرف میشود چه
بجای به سید و چه مقدار دولت از آن فایده میبرد
اندا از ملت از آن بهره و در سیکر و مفضل خواهیم شکست
تا مزید بر طمع و تشویق ملت ماکرود -
علمای دین دار ملت خواه صغهان که خداوند عمرشان را
زیاد کند مایه و موفق دارین دارد درین مراتب
لازمه نیز باید ملت را شوق باشد اگر یک کمپانی مخفی
در اصغهان که پنجاه هزار تومان سرمایه او باشد
مستیا زراعت چائی را از دولت بگیرند و از روی
بصیرت شروع در کار کنند یقین است که در عرصه پنج سال
تیرمای آن سه کوزه ترقی نماید اگر چنین کمپانی در ایرانی
دار شود اداره جلالتین پانصد تومان شرکت
در آن متقبل است بوی یکمک اطلاع داریم بسیاری
بزرگوار وطن پرست اصغهان در اقدام معجب زراعت
چائی استعداد چنانچه آقا محمد مهدی صاحب تاج
از اداره تقصید زراعت چائی و چگونگی تربیت آن

از تخم چائی بجهت امتحان و تجربه خواسته چون با ضرورت و تقصیر
ملت خود را پسندند ازیم مختصراً میگویم که یا باید دولت
درین رفع احتیاج ملت اقدام کند یا بطریق کمپانی
این امر صورت گیرد و لولا که یک نفر بتواند مایه او را
به دست نمانش از شخص واحد نشود و ناچار حالت بس
پیدا کند و دیگر از اقدام بدین زراعت چائی در مشاجه
قطع خواهد شد تصدیق خواهد کرد -

(انجمن معارف)

امروز اند ضرورت با انجمن معارف است چرا که
چند نفر در فرنگستان و بر سر من آموختن بعضی فنون بخند
رفع احتیاج ملت نشود و در فرنگستان رفته و علوم جدید
آموخته اند حکمت از آن با حال ملت سفید شده اند بخند و به
اولاً آنکه آن جوانان بسوای تعلیم زبان و بعضی علوم ابتدائی
بسیچ نیاموخته اند و نتیجه اینقدر تعلیم و تربیت آنها
بها تا آزادی طلبی شده و نفرت از وطن عزیز خود گویا
یکدفعه این فرقه فراموش کرده اند و بجای نفع نقصان
ملت و دولت میرسانند -
دوم علاوه بر اینکه کشور ما ثروت ملت صرف
تعلیم آنها شده و ملت متمد نه علم را می آموزند و به نفع
احتیاج ملت این فرقه احتیاج را بملت خارج میزد
کرده اند مثلاً خان خان زاده وقتی از فرنگستان معارف
کرد سوای بیاسمای برش و دولت پاریس باس و گیرند
نیکند مثل (.....) -

۱۲ از خار و درخت این معارف است معارف ایران درین معارف است
۱۳ اولاً آنکه بخند و به جوانان تعلیم ملت را میزند

حقی تاکنون و شارب کشف فرمایان را بر آنگه و شارب
لطیف پاکیزه خود ترسیح داده این بی انصافهای شارب
شکست شارب ایران را که همه فرزندان ترسیح بر شارب
تمام دنیا داده اند پست شمرده شارب کندیده استغرض
فرنگ با بقیت کزات طلب کرده شاربشان هم باید
از فرنگشان بیاید -

سوم غالباً قوی ملاحظه کرده ایم جوانان اوقات از بند
خود چون فرنگشان رفته اند لا ابالی در بند شارب
قریب با هالی سحر هرت گرفته اند و وقتیکه
خود آید و جوانان هم شاربهای خود شارب ترا خود کرده اند
و این نقصانی بزرگ است که ازین فرقه در ملت ایرانیه
جاری و ساری گردیده -

چهارم عدد این جوانان تعلیم یافته و فرنگ کافی از رفح
احتیاجات ملیت -

پنجم تاکنون ندیده ایم جوانانیکه در فرنگشان تعلیم یافته
و بایران آمده اند مصدر خدمات ملیت شوند بلکه با روز
در دماغ و رعب روپایان در دل و نا قابلی و این از
ملت خود در قلبشان جای گرفته از ترقیات ملیت سخنی
بر زبانشان جاری نیست همیشه مثل چغده بانگ شوم
بلند کرده انتظار جمله روس با انگلیس را بایران بکشند
بستعد عبودیت فرنگان شده اند -

ششم فضائیچاه هزار نفوس ایران عالم هستند
فرنگ و فرنگی تاب شوند چه نتیجه ملت از زبان آنها

حاصل خواهند کرد و چگونه از عهدۀ رفح همیشه
بعیت ملیون نفوس خواهند برآمد و این نیز امکان ندارد
که اتمام ال ایران را بفرستیم در فرنگشان تعلیم یابند
ما ترقی کنیم -

هفتم - ما علم بنویسیم نه زبان و فرنگی آبی و این امر
منحصراًست درین که ما کتب علمیۀ خارجی را که محتاج
بدان هستیم در هر زبان باشد بزبان فارسی بسیار
ترجمه کرده مدارس علم و خاصاً فستحاج نموده ملت و در زبان
خود عالم بر رفح احتیاج کنیم و ما کتب علوم بزبان
فارسی در نیابید که در ایران علوم عمودیت پیدا میکنند و تا وقتیکه
علم عمودیت در ملت پیدا نکند رفح احتیاج آن ملت
از خارج محال است و این امر از عهدۀ وقوه شخص
بیرون است باید عموم دانشمندان ملت درین
تقدیر سهیاری نموده دولت هم موید آنها بشود
بچند الله امروز ما در هندوستان تنها بقدر فارسی
که قادر بر ترجمه کتب از سببۀ خارجی با موجود داریم
که ابد احتیاج تعلیم زبان خارجی درین مقصود نیست
صرف اندکی همت باید کرد و لحاظ ارجال دولت
و همت ملت را با کمال ادب عرض پردازیم که
حقی امکان درین مقصود تقدیر را حامی و موید باشند
تا بنابر تعالی بخین معارف ملیت نمانند قادر بر رفح
و در رفح احتیاجات علمیۀ ملت بشود و همت بلند دار که
مردان روزگار از همت بلند بجائی رسیده اند -

و بی زاویه مستقیمه لطین معلوم
 پس باید بر خط مستقیمه بی متوازی الاضلاع را
 ترکیب نمود که مساوی باشد باشد مثلث ق و یکی از
 زوایای آن مساوی زاویه مستقیمه لطین می باشد
 ترکیب بر ب د مخروط متوازی الاضلاع د
 ع ص ن را ترکیب میدهمیم که مساوی مثلث
 ق باشد و زاویه ع د ن مساوی زاویه بی
 باشد . . . (ش ۲۲ - ۲۲ - م - ۱)
 از نقطه ب استخراج میکنیم ب ط را متوازی
 د ن یا ع ص که ملاقی کند ص ن مخروط را در
 نقطه ط . . . (ش - ۳۱ - م - ۱)
 و ط را با ق وصل میدهمیم -
 چون ب ط و ع ص خطوط متوازی میباشند و ط
 انها را قطع مینمایم باین جهت زوایای ب ط ص
 و ط ص ع متساوی دو زاویه قائمه
 میباشد . . . (ش - ۲۹ - م - ۱)
 پس زوایای د ط ص و ط ص ع متساوی
 کمتر از دو زاویه قائمه باید باشند ازین رو خطوط
 ط د و ص ع ملاقی خواهند کرد - اگر بجانب
 د و ع استخراج کرده شوند -- (ع - ۱۲)
 پس اینهارا استخراج کنیم تا در نقطه س ملاقی کنند

از نقطه س استخراج نمایم س ج را متوازی ع ب
 یا ص ط . . . (ش - ۳۱ - م - ۱)
 و استخراج میکنیم ط ب و ن بی را که ملاقی کنند
 س ج را در نقاط ف و ح
 پس بی متوازی الاضلاع مطلوبه خواهد بود
 دلیل ص ط ح س متوازی الاضلاع میباشد (مطابق ترکیب)
 و ح بی و ص بی متوازی الاضلاع هستند که با ط را
 قطر ط س واقع اند
 پس ح بی مساوی ص بی میباشد - (ش - ۳۳)
 ولی مثلث ق مساوی ص بی است (مطابق ترکیب)
 ازین رو ح بی نیز مساوی مثلث ق میباشد
 و چون زاویه ن کی ع مساویست با زاویه متقابل
 ب د ف . . . (ش - ۱۵ - م - ۱)
 و زاویه ن د ع مساویست با زاویه بی
 ازین رو زاویه ب د ف نیز مساویست با زاویه بی
 پس متوازی الاضلاع ح بی که ترکیب داده شده است
 بر خط مستقیمه ب د مساویست با مثلث ق و زاویه
 بی ف نیز مساویست با زاویه بی (نمودار)

اول این ترکیب شرط است بر اینکه بر ب د مخروط مثلثی را ترکیب میدهمیم که ضلع آن مساوی باشند با ضلع مثلث ق هر یک نیز مخروط (ش ۲۲)
 دوم اینکه متوازی الاضلاع را ترکیب میدهمیم مساوی آن مثلث و یکی از زوایای آن مساوی زاویه بی باشد (ش ۳۲)

(شناختن خطوط روس نام)

اگر خطوط روس نام را تشبیه با موج دریا کنیم بمناسبت
 مثلا موج از مقام مخصوصی که کرده در جای خاصی موج
 دیگر جدا میشود و بسا شده که شامی از آن موج جدا گشته
 و صلب با موج دیگر میشود و بسا نه امواج بشکل خیره نمود
 میگرد و آن جزیره با اشکال مختلفه جلوه میدهد و در
 آن نقاط شلت نام و یا اندرون آن خطوط خاصه همیشه نمود
 میگرد و بسا میشود که از میان امواج خطوط نام خطها
 باز که چندی سمیت عرض نمودار میشود و خطوط دیگر را
 قطع میکند و اگر بغور تعداد آن خطوط امواج نام را استا کنیم
 و سمت و عرض او را مقابله نمایم از حد ارضی خارج است
 و نیز بجهت تیز دادن و منقح نهادن خطوط اشکال
 روس نام هر از آن میتر است حاصل میشود که کارش
 آن باریکها از غیر امکان بیرون است ولی نزد
 مردمان مجرب کار آزموده در کمال سهولت و
 آسانی میباشد
 مناسب است که ششم در ترتیب و سلسله گذاردن
 نقوش روس نام نوشته شود چه که تا آن
 به ترتیب مخصوص با اصول خاص نینیم و سلسله در کار قرار
 ندهیم پیدا کردن و شناختن یک نقشه در میان هزار
 نقوش کمال صوبت دارد بلکه اگر به ترتیب گذارد
 شود نتیجه را که میخواهیم از آن حاصل نمایم صورت
 نخواهد گرفت البته بعد از آنکه ملو بها نقوش روس

نام را روی هم بریزیم و ترتیبی در پیدا کردن آنها قرار
 ندهیم مثلا این علم فنند و بی نتیجه خواهد ماند
 آنچه تاکنون ترتیب داده اند اینست که اولاً بجهت
 نقوش اشکال ده گانه خانه قرار میدهند پس شروع
 از دست راست می نمایند اول از شصت دست
 نقش میگیریم تا برسد با شصت کوچک و باید نام
 هر یک از اشکال را بالای آن خانه منویسیم و اگر
 نام و نقش هر دو رسم شود بهتر خواهد بود و هر حرف
 مقطعه نیندر خانه بحر فی نشان شود و همچنین
 پنج اشکال دست چپ را بهین اصدور از آن نعیم
 اشکال را بنوعیکه سابق داده ایم معین نمایند مثلا
 نقوش محرابی هر یک از اشکال ده گانه را نسبت
 و صفت مذکوره بگذارند و همچنین لوپ و کردبی را
 بنین نشانی یا شماره بجهت هر یک از آن نقشه ها
 سه گانه قرار دهند و علامه تقسیمیک در هر یک از این
 نقشه های محرابی و کردبی و لوپ کرده اند بعلامه
 خاص و شماره مخصوص معین کنند تا در وقت
 ملاحظه بر نقشه را که پیش روی نهم در همان قسم مخصوص
 و خانه خاص و علامت و شماره خاصه ملاحظه نمود
 فوراً پیدا نمایم . . . (قهید ارد)
 ریاضت و ورزش بر دو قسم است جسمانی و دماغی چنانچه سخن بجهت
 انسانی لازم است تقسیم ورزش هم ضرورت از ورزش فنندت تخمید برود
 و چون میخواهیم از غروب آفتاب و طلوع صبح بقدر دریا و صحرایه رو بگردانیم که در وقت

(مریخ و ماه)

بسیاری از علماء مسکونی هیت آمریکا و اروپا متوجه تحقیق این امر شده اند که آیات که ماه و مریخ نیز مثل کره زمین مخلوقات زیر مرصع است یا نه این بحث از زمانه دراز در محاسن علمائیت موضوع است چنانچه یکی از عورتا متهمه آمریکا که عاشق تحقیقات علوم جدید بود سه چهار سال قبل در هیت و پنجاه هزار روپیه باین غرض وقت نمود تا صرف در تحقیقات علم هیت جدید شود که آیات در کره مریخ راه مخلوقی آباد است یا نه و اگر ممکن فرسوح نسبت آن با کره زمین چیست تاکنون بسیار از علماء علم هیت درین مسئله تحقیقات نموده اند ولی امریکه با اطمینان خاطر باشد بیان نکرده اند یکی از اخبار آن فرانس می نویسد که عاقریب این مسئله اهم در نمایش گاه پاریس که سنه ۱۹۰۰ است تحقیق خواهد شد بجهت تحقیق این امر درین بسیار بزرگی که تاکنون نظیرش دیده نشده ساخته اند و در همان نمایش گاه ساکن قناریع فیه هیت را بحث کرده بشما به آورده تصفیه خواهند نمود در بین موصوف در کلاه پاریس آماده میشود پوشش یکصد و نود و هفت قمت خواهد بود و در بین موصوف مدعی است که قمت شیشه این در بین بقدریت که کره ماه را مخلوق صلی بغاصله دو سیل خواهد نمود و متصله بودن مخلوق بر کره ماه و مریخ خواهد شد و نمایش بحث باقی خواهد ماند

(درخت خندان)

یکی از جوانه ماهانه انگلستان سیکوید که درخت خندان یا قهقهه در عربستان موجود است ازین درخت را قهقهه سیکوید که اگر تخم فیرا ساساید و شخص بیایا نشاند حالت وجدی بر او تاری میشود که اولاً آن شخص برقص در آید چون دیوانگان بنجده می او قند و بوجو کات دیوانگی متحرک میشود تا جماعت بدین حال میماند بعد از آن نوم بر او غلبه کرده بخیر چند ساعت میخوابد و پس از آنکه از خواب برخواست کیفیت حالت بیداری و وجود بادش نمیماند ایندر میان قد و کفش زرد رنگ و تخم سیاه مثل سنگ است اگر چه در رنگ نیز قریب باین حالت دیده میشود ولی غایت آن درخت غیر است .

(موتها)

جریده نیترل تونس که مطبوعه لندن است می نویسد که بجهت ساختن مکان از گوی خاک میکنند در وسط کوه سنگی که آلوده که مخلوط بنجاک و رمل بود پیدا شد در وسط آن سنگ چند قباچه موجود بود و حال آنکه قباچه جوایست آبی و همیشه در کنار میاه پیدا میشود زنده ماندن آن در وسط سنگ و رسیدن رزق در آن مکان سر بسته جز اینکه تسلیم در قدرت خلاق رزاق شویم راهی نیست علمای علم سیوان پس از تحقیقات کامله دریافت کرده اند که قباچه دو کونه دوزن جسم خود همیشه آب فیره میکنند مکن است که در وسط

آن سنگ گرم کس پیشه بوجود عت حیات او کرده است

(انجماد و عین نغمه)

این اجزای نامائیک بان علوم جدید و راجحه القول است
الحق درین صدی اخیر از دانشمندان فزاینده
ایجادات عجیبه و اختراعات غریبه بروز ظهور کرده است
(مسیودی هومی) که یکی از معماران بحری فزاینده است
در باغ عالی و قابلیت تامه است این ترکیب برنج را
استر اع کرده روغن نفت را مثل صابون بنجه کرده
بطریق شمع میسازد در آتشهای نفتی در وقت خفتن
نبرد دارند و نه دو دو نه از گرمی کمتر میشود و نه از سردی
برین ایجاد دو فایده بزرگ متصور است اول آنکه
تقدیر حرکت این باکون بعید و بنیت بوقتیکه بیاید
بودن آسان تر و کم خرج تر است و کمتر نوزاد
شود دوم قوتیکه نفت سیال است خوف آتش گری
و خطر آن بزرگ در پیش است و قوتیکه بنجه شد
نگارهای آن آسان و خوف در آن کمتر است این
شمعهای نفتی بجای آسانی بنجه و نقصان وقتی آتش باورند
خواهد سوخت

(و قوه عجیبه)

در عمارت چهار جبهه دیناج پور یکی از عمارت بزرگترین
عینا بود در باغ وحش دیناج پور روزی در خورشید
بیتاشا در اطاق میونی وارد شده تا وقتیکه گرم
خبر و ارشد میمون چند جای از بدن او را بدندان

مخروص نموده بود بعد از آن مجوز را بجای خانه فرستاده
زخمهای او را مرهم بسته اند هنوز در بیمار خانه مشغول
بجلاج وی هستند تعجب نیست که دیوانه کیسار چون
در زندگان پانچ مردم بود از کزیدن میمون بهبودی
حاصل نموده هیچگونه آثار خون در او نماند اینست
اطباء و داکتران و فلسفه طبیعی درین مسئله متفقند
اند که علت اصلی او را دریا بند -

(طریق بزمین و آون روشن است)

اگر کسی بر قطعه بلوری بایستد و عضوی از بدن خود را بشیم یا
اگر شیم چند مرتبه مس نماید (یعنی چند مرتبه ابریشم
یا شیم را خوب بر آن عضو بمالد) شخصی که خارج از آن
آنکست خود را بجانب او دراز کند فوری بصورت برق
از جسم یکدی روی بلور میآید و عضو خود را از شیم ابریشم
مس نموده جتن میکند تفصیل این در فلسفه طبیعی خواهد آمد
(معلومات)

آنچه تحقیق رسیده در شهر اسلامیه در دوازده دارالفنون و شخصت
در سه وسیله پنج و آنخانه و کتابخانه عمومی از طرف دولت علامه
بران دارین کتابخانه که از جانب ملت است موجود میباشد در اسلامیه
پانصد بزرگ و کوچک است -

در قحطیه که واقع در ایالتی است بتمازکی شهاب ثاقبی
از جانب مغرب فرود آمده بود که در وقت آن مانند ماه کامل
جلوه کرد و تا کون فخر چنین شهاب ثاقبی را کسی ندیده و در خطه

(حسن الحسین)